

سنجش دل‌بستگی به مکان و نحوه تأثیر مقیاس مکانی بر آن در بافت‌های مختلف شهری، مورد مطالعاتی: شهر رشت

مهیار منصف^۱ - علی اکبر سالاری پور^{۲*} - نورالدین عظیمی^۳ - سامان ابی زاده^۴ - نادر زالی^۵

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول).
۳. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
۴. استادیار گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۵. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۶ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۶/۰۴ تاریخ انتشار: ۰۰/۰۶/۳۱

چکیده

دل‌بستگی به مکان، به‌عنوان پیوند احساسی مثبت بین افراد و گروه‌ها و محیط شان تلقی می‌شود. حضور و ارتباط افراد با مکان‌هایی که به آن دل‌بسته‌اند نتایج روان‌شناختی مثبتی برای آن‌ها خواهد داشت. اما دور افتادگی از این مکان‌ها می‌تواند به پریشانی و آشفتگی روانی منجر شود. عدم بررسی نحوه تأثیر مقیاس مکانی بر دل‌بستگی مکانی باعث می‌شود نیازهای شهروندان برای ایجاد رابطه احساسی در مقیاس‌های مختلف مکانی توسط طراحان و برنامه‌ریزان نادیده گرفته شود. هدف این مقاله شناخت نقش مقیاس مکانی بر دل‌بستگی به مکان می‌باشد که به ما در شناخت دل‌بستگی در این سطوح مکانی و ارزیابی رابطه آن‌ها کمک خواهد کرد. برای این منظور ۴۰۰ پرسشنامه در میان ساکنین چهار بافت شهری مختلف جدید، قدیم، میانی و پیرامونی شهر رشت توزیع شد و داده‌های به‌دست‌آمده از طریق آزمون همبستگی مورد تحلیل قرار گرفت. با توجه به تحلیل‌ها ارتباط U شکل میان مقیاس‌های مکانی به دست آمد که در آن مقیاس خانه دارای بیش‌ترین میزان دل‌بستگی میان ساکنین و مقیاس محله دارای کم‌ترین میزان دل‌بستگی می‌باشد. بر اساس حداقل بودن دل‌بستگی به محله در ارتباط U شکل، می‌توان نامحسوس‌تر بودن محدوده و مرز محله در شهرها را نسبت به محدوده شهر متصور شد. از طرف دیگر تحلیل همبستگی دل‌بستگی میان این سه مقیاس نشان می‌دهد، دل‌بستگی به محله کم‌ترین همبستگی را با دل‌بستگی به شهر و خانه دارد. این یعنی علاوه بر این‌که دل‌بستگی به محله در شهرهای امروزی کم‌تر شده است، همین دل‌بستگی نیز نقش کمی در ایجاد دل‌بستگی فرد به سایر مقیاس‌های مکانی و از همه مهم‌تر شهر دارد. این نتایج نشان می‌دهد که جایگاه محله‌های شهری در زندگی شهروندان رو به تضعیف است و برنامه‌ریزان باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب فرصت‌های بیش‌تری برای ایجاد پیوندهای عاطفی میان شهروندان و محله‌شان به وجود بیاورند.

واژگان کلیدی: دل‌بستگی به مکان، مقیاس مکانی، عوامل اجتماعی و شخصی، رشت.

۱. مقدمه

رابطه انسان با محیط پیرامونی‌اش از دیدگاه روان‌شناختی، یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری مطرح می‌شود. پرسشی که تاکنون پژوهشگران حوزه‌های مختلف علمی، سعی در یافتن پاسخی درخور برای آن بوده‌اند، بدین شرح است که فرد در قالب چه فرآیندی خود را در پیوندی عاطفی با محیط پیرامونی‌اش دریافته و به آن دلبسته می‌شود. از جمله این مطالعات می‌توان به تحقیقات (Fried, 2000, p. 195) اشاره کرد که بر مبنای خصوصیات فیزیکی مکان و میزان دلبستگی مردم به آن بود. در تحقیقی دیگر (Hi-dalgo & Hernandez, 2001, p. 276) رابطه بین مقیاس مکان و دلبستگی به آن را بررسی کردند و در پژوهشی جدیدتر (Scannell & Gifford, 2010, p. 7) عرصه‌های اجتماعی مؤثر در دلبستگی مردم به مکان را مورد مطالعه قرار دادند. در مطالعات اندکی که در مقیاس‌های مکانی مختلف انجام شده است، نتایج نشان می‌دهد که احساس افراد نسبت به مکان با توجه به مقیاس مکان متفاوت است. به‌عنوان مثال در یک مطالعه که در آن دلبستگی به مکان در سه مقیاس (خانه، محله، شهر) مورد بررسی قرار گرفته هیدالگو و هرناوندز یک رابطه منحنی U شکل را بین مقیاس‌های مکانی مختلف گزارش دادند (Hidalgo & Hernandez, 2001, p. 279). افراد احساس دلبستگی بسیار کمی به مقیاس مکانی میانی (محله) داشتند و این نتایج نیز در تحقیقات مشابه تأیید شد (Hernandez, 2007, p. 316). لویکا برای کشف این موضوع که افراد به چه مکان‌هایی بیش‌تر دلبسته می‌شوند، از مقیاس محله تا جهان را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق به‌صورت مستقل از شهرها و کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که مقیاس شهری بسیار بیش‌تر از محله‌ها مورد توجه محققان بوده است (Lewicka, 2008, p. 211; Lewicka, 2010, p. 45). شامای و ایلاتوف دلبستگی به مکان را در سه مقیاس (شهر، ایالت، کشور) در اسرائیل و در بین مهاجران و ساکنان اصلی بررسی کردند که شکل خاصی را کشف نکردند (Shamai & Ilatov, 2005, p. 470).

دلبستگی به مکان از این جهت که باعث ایجاد و بالارفتن سطح مشارکت، تعهد و همکاری ساکنان مناطق مختلف شهری می‌شود و برای حل مشکلات و ارتقاء سطح کیفیت زندگی، شیوه بهتری را ارائه می‌دهد، حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین برای معماران و شهرسازان، ارزیابی سطح دلبستگی به مکان در مقیاس‌های مختلف ضروری است. لزوم این پدیده، علاوه بر دانش شهرسازی، در حوزه‌هایی مانند: سلامت اجتماعی، برندسازی مکان و مدیریت گردشگری و غیره قابل جستجو است. با وجود پژوهش‌های متعددی که در رابطه با دلبستگی به مکان در دوره گذشته

صورت گرفته، کماکان توسعه سریع و آشفته شهرها و دید کالبدی به مسائل در شهرهای ما وجود دارد که باعث تضعیف این حس شده است. به‌ویژه در مقیاس محلات مشکلاتی مانند بحران هویت و تضعیف روابط به‌وجود آمده که از بی‌توجهی به رابطه انسان و مکان نشأت می‌گیرند. با توجه به اهمیت موضوع دلبستگی به مکان و کاهش آن در وضع فعلی، این پژوهش قصد دارد تا ضمن معرفی محتوایی دلبستگی به مکان، میزان آن را در سه مقیاس (خانه، محله، شهر) اندازه‌گیری کند و به مقایسه رابطه میان دلبستگی در این سه مقیاس بپردازد.

۲. مبانی نظری

تحقیقات بسیاری به بررسی پیوند مثبت میان انسان و سکونتگاه او پرداخته‌اند؛ نتایج غالب این تحقیقات نشان داده‌اند که پیوند مثبت (دلبستگی) انسان با محل سکونت‌اش، سطح کیفی زندگی و سلامت جسمانی و روانی او را افزایش می‌دهد. چگونگی شکل‌گیری و تقویت این پیوندها در مقیاس‌های مکانی مختلف و همچنین تفاوت‌های ناشی از تأثیر مقیاس موضوعی است که می‌تواند به برنامه‌ریزان و طراحان شهری کمک نماید تا به شکل بهتری نیازهای شهروندان را در مقیاس‌های مختلف مکانی لحاظ نمایند. لذا در ذیل به تفصیل در خصوص تعریف دلبستگی به مکان و دلبستگی به مکان در مقیاس‌های مختلف مکانی بحث می‌شود.

۲-۱- دلبستگی به مکان

بنا به نظر محققین سیر تکامل تدریجی مفاهیمی همچون مکان و دلبستگی مکانی از مسیر مشخصی پیروی می‌کند (سالاری‌پور، دانش‌پور و صفای‌کارپور، ۱۴۰۰، ۲). دلبستگی به مکان مفهومی چند سطحی و میان‌رشته‌ای است که ابعاد مختلف و پیچیده‌ای دارد. اما به‌طور کلی، دلبستگی به مکان به‌عنوان یک مفهوم چند وجهی فرض می‌شود که پیوند میان مردم و مکان‌های خاص آن‌ها را شرح می‌دهد (سالاری‌پور، ۱۳۹۷، ۳۰). لوو و آلتمن دلبستگی به مکان را یک پیوند عاطفی میان افراد و محیط زندگی‌شان تعریف کردند (سالاری‌پور، رضانی، زالی و صفای‌کارپور، ۱۳۹۷، ۴۰؛ Low & Altman, 1992, p. 9). هرناوندز و همکارانش دلبستگی به مکان را حس عاطفی افراد به مکان‌های راحت و ایمنی که علاقه به زندگی در آن دارند، تعریف می‌کنند (Hernandez, Hidalgo, Salazar-Laplace, & Hess, 2007, p. 314). انعکاس شاخص‌های مربوط به عواطف و احساسات فرد به مکان در سؤالات ساخته‌شده توسط محققانی که بر روی دلبستگی به مکان مطالعه می‌کنند به‌طور آشکاری قابل‌درک است (Scannell & Gifford, 2017, p. 258). جنبه‌های شناختی و رفتاری از دیگر ویژگی‌های دلبستگی به مکان است. این بدان معناست که اعتقادات و خاطرات و فعالیت‌های خاصی که فرد

به شهر است. درصد بسیار کمی از پژوهش‌ها به صورت هم‌زمان بیش‌تر از یک مقیاس را مورد بررسی قرار داده‌اند. به هر حال این تعصب نظری نسبت به محله در پژوهش‌های مربوط به مکان وجود دارد که اکثر مطالعات مربوط به دل‌بستگی در این مقیاس انجام می‌شود (Giuliani, 2003, p. 3; Lewicka, 2005, p. 388).

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شده است مطالعات صورت گرفته درباره دل‌بستگی و مقیاس مکانی نشان داده‌اند که مقیاس شهری ایجاد دل‌بستگی دارد. اما در بعد محتوایی در یکی از اولین بررسی‌ها کوبا و هیومن نشان دادند که در سه شهر کوچک آمریکایی دل‌بستگی به خانه بیش‌تر با متغیرهای جمعیت‌شناسی، دل‌بستگی به محله با متغیر مشارکت اجتماعی، دل‌بستگی به منطقه زندگی توسط متغیر فعالیت‌های موجود در مکان بررسی می‌شوند (Cuba & Hummon, 1993, p. 119). در مطالعات شامای و ایلاتوف متغیرهای «مدت سکونت» و «سن» هم‌بستگی بیش‌تری را با دل‌بستگی به مقیاس‌های کوچک‌تر (مثل شهر) نشان داده است تا مقیاس‌هایی که بزرگ‌تر (مثل کشور) بودند (Shamai & Ilatov, 2005, p. 471). هیدالگو و هراندز دریافتند که برای دل‌بستگی به مکان به‌طور کلی عوامل اجتماعی مهم‌تر از عوامل فیزیکی هستند. به‌ویژه برای دل‌بستگی به خانه این عوامل بسیار مهم‌تر از دل‌بستگی محله و شهر است (Hidalgo & Hernandez, 2001, p. 278). همچنین در مطالعات برون و همکارانش هیچ تفاوتی بین متغیرهای پیش‌بینی کننده دل‌بستگی به خانه و محله مشاهده نشد. واضح است که داده‌های این پژوهش اطلاعات قابل قبولی در مورد مقیاس مکان و متغیرهای دل‌بستگی به آن ارائه نمی‌کنند (Raymond, Brown, & Weber, 2010, p. 429).

همان‌گونه که ملاحظه شد معیارهای متفاوتی بر ایجاد دل‌بستگی در مقیاس‌های مکانی مختلف نقش دارند و بسیاری از ابعاد تأثیر مقیاس‌های مکانی در ایجاد دل‌بستگی همچنان نیاز به بررسی و تحقیق بیش‌تر دارد. شکل ۱ زیر چارچوب مفهومی این پژوهش را نمایش می‌دهد.

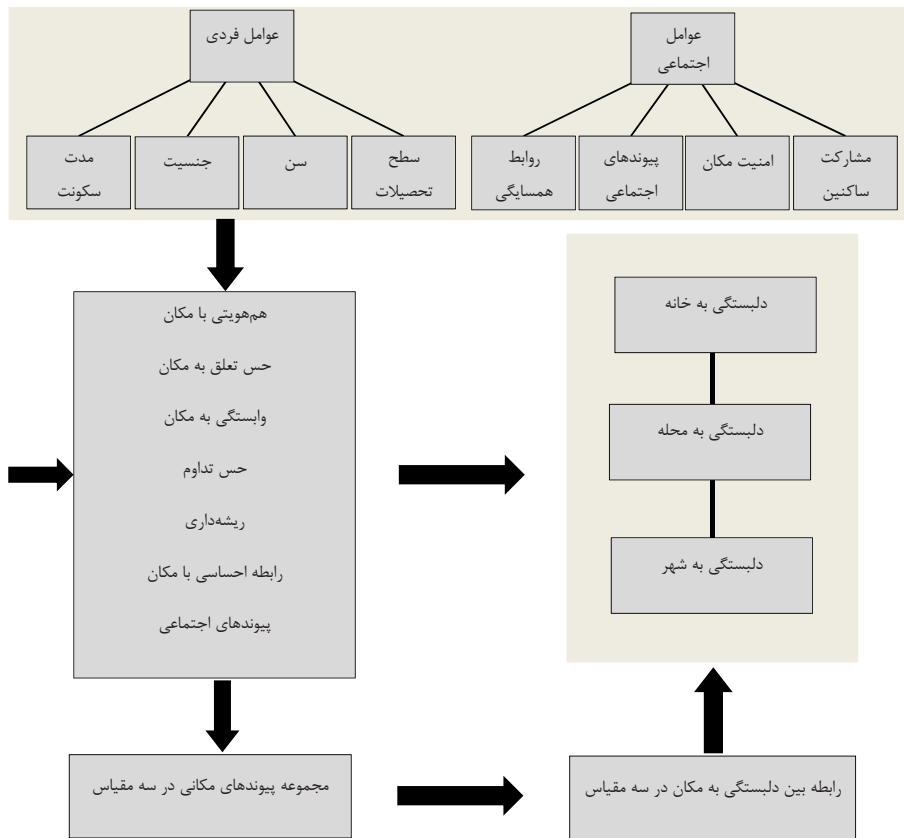
را به مکان مرتبط می‌کند در ایجاد حس دل‌بستگی در افراد تأثیرگذارند (Ratcliffe & Korpela, 2016, p. 123). در واقع این مکان‌ها نیستند که به‌خودی‌خود دارای معنا هستند بلکه تجارب و خاطرات ما از آن‌هاست که ایجاد مکان می‌کند و به آن‌ها معنا می‌دهد (Manzo, 2005, p. 10; Manzo & Devine-Wright, 2013, p. 70). تعاملات طولانی‌مدت با یک مکان و خاطراتی که در آن برای فرد اتفاق می‌افتد، می‌تواند دل‌بستگی به مکان را ایجاد کند (Najafi & Kamal, 2012, p. 1).

در بسیاری موارد ارتباط مردم با مکان‌ها صرفاً از طریق ذهنی و روان‌شناختی است و آن‌ها برای ایجاد ارتباطات عاطفی با مکان نیاز به تعامل و ارتباطات فیزیکی ندارند. همچنین ممکن است آن‌ها احساساتی را نسبت به برخی از اجزای محیط داشته باشند و آن را به مکان‌هایی با اجزای مشابه انتقال دهند. به عبارتی آن‌ها یک تصویر ذهنی از مکان‌های مورد دل‌بستگی خود دارند و مکان‌های جدید را با توجه به آن قضاوت می‌کنند که این تصاویر ذهنی می‌توانند مثبت یا منفی (ضعیف) باشند (Farnum, Hall, & Kruger, 2005, p. 25; Degnen, 2016, p. 1650; Zali, Ebrahimzadeh, Zamani-Poor, & Arghash, 2014, p. 218).

۲-۲- مقیاس مکان و دل‌بستگی به مکان

مکان‌ها مقیاس‌های متفاوتی دارند. مکان‌هایی که ما می‌توانیم به آن‌ها دل‌بسته شویم همان مکان‌های محل زندگی ما یعنی اتاق، آپارتمان، محله، شهر و غیره هستند که ما می‌توانیم به همه آن‌ها وابستگی عاطفی پیدا کنیم (Cuba & Hummon, 1993, p. 121; Gieryn, 2000, p. 468; Jordan, 1996, 31; Low & Altman, 1992, p. 127; Moser, Ratiu, & Fleury-Bahi, 2002, p. 9). باین‌حال بیش‌تر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مکان‌ها و دل‌بستگی افراد به آن‌ها در مقیاس میانی مکان یعنی محله انجام‌شده است (Giuliani, 2003, p. 3). حدود ۷۰ درصد این پژوهش‌ها در مورد دل‌بستگی به محله، ۲۰ درصد دل‌بستگی به خانه و تعداد بسیار کمی در مورد دل‌بستگی

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش



۳. بررسی مورد مطالعاتی

در نتیجه شهر با تحولات بسیاری روبرو شده و مناطق مسکونی جدیدی در خارج از شهر گسترش یافته‌اند که بسته به وضعیت اقتصادی و سطح درآمدی ساکنان، ظواهر متفاوتی پیدا کرده‌اند. لذا با توجه به این که محلات منبع اصلی دلبستگی به اجتماع محلی محسوب می‌شوند، تضعیف فضای اجتماعی و فیزیکی آن‌ها، مهم‌ترین مسئله‌ای است که با موضوع پژوهش در ارتباط می‌باشد. (188).

شهر رشت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران و مرکز استان گیلان، پرجمعیت‌ترین شهر شمال ایران تلقی می‌شود و سومین شهر گردشگرپذیر ایران است (شکل ۲). براساس سرشماری رسمی سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر رشت، ۶۷۶.۹۹۱ نفر است. شهر رشت در چند دهه اخیر، از نظر جمعیتی و کالبدی، رشد و گسترش چشمگیری داشته است (Zali, Ahmadi, & Faroughi, 2013, p.)

شکل ۲: نقشه موقعیت مکانی رشت



۴. روش‌شناسی تحقیق

نمونه تعیین شود، روش نمونه‌گیری ارتباط تعیین‌کننده‌ای با حجم نمونه ندارد و مسئله مهم‌تر این است که از هر روشی که استفاده می‌کنید حداقل حجم نمونه برآورد شده را گردآوری کنید. استفاده از فرمول کوکران، ساده‌ترین

جهت جمع‌آوری اطلاعات در محدوده مورد مطالعه، از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شد. برای استفاده از پرسشنامه باید

مرحله بعد فضای اجتماعی خاص هر یک از این بافت‌ها نیز تفاوت‌هایی دارند که توزیع پرسشنامه در چهار بافت مختلف به روشن شدن تفاوت‌ها در این ابعاد نیز کمک خواهد کرد. بنابراین دسته‌بندی بافت‌های شهری هم امکان پوشش انواع محله‌های شهری در نمونه آماری را می‌دهد و هم امکان مقایسه تفاوت‌ها در این محیط‌ها را فراهم می‌سازد. ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان نیز در ابتدای پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت که دسته‌بندی شده و در قالب جدول ۱ ارائه می‌شود:

روش جهت تعیین حجم نمونه می‌باشد. فرمول کوکران کف نمونه (حداقل حجم نمونه) را نشان می‌دهد و اگر تعداد نمونه کمی بیش‌تر در نظر گرفته شود بهتر است. به‌منظور تعیین حجم نمونه جمعیت شهر رشت در فرمول کوکران قرار داده شد که عدد ۳۸۴ به‌دست آمد، و در همین راستا ۴۰۰ پرسشنامه در چهارگونه بافت مختلف شهر رشت توزیع و تکمیل شد. انتخاب چهار بافت مختلف از این جهت صورت گرفته است که ابتدا تأثیر ویژگی‌های مختلف کالبدی محله‌های مسکونی بر دل‌بستگی به مکان در شهر رشت قابل سنجش و مقایسه باشد و در

جدول ۱: ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان

نوع بافت	جدید	میانی	قدیمی	پیرامونی
تعداد	۹۸	۹۸	۹۸	۱۰۶
جنسیت	مرد	زن		
تعداد	۲۰۸	۱۹۲		
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۰ سال	۳۱ تا ۳۵ سال	۳۵ سال به بالا
تعداد	۲۱۶	۵۷	۴۶	۸۱
تحصیلات	دیپلم و پایین‌تر	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر
تعداد	۱۲۶	۵۴	۱۸۶	۳۴

مربوط به مقیاس محله و هشت سؤال مربوط به مقیاس شهر می‌باشد. این سؤالات به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که متغیرهای مستقل (هویت مکان، دل‌بستگی عاطفی، وابستگی مکان، پیوند اجتماعی) را به‌منظور سنجش میزان دل‌بستگی به مکان در سطح شهر رشت بررسی می‌کنند. گویه‌های این پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

پرسشنامه این پژوهش از ۱۹ سؤال تشکیل شده که در قالب طیف لیکرت می‌باشد. در واقع چنانچه هدف اندازه‌گیری موضوعاتی باشد که قابل مشاهده نیستند اما بر رفتار اشخاص تأثیر می‌گذارند، از طیف لیکرت استفاده می‌شود. این موضوعات می‌توانند شامل مواردی چون عواطف، دیدگاه‌ها و عقاید باشند. از مجموع ۱۹ سؤال مطرح شده، سه سؤال مربوط به مقیاس خانه، هشت سؤال

جدول ۲: گویه‌های دل‌بستگی به خانه، محله و شهر

گویه‌ها		
خانه	محله	شهر
- وقتی به خانه خود وارد می‌شوم احساس خوبی دارم.	- اینجا محله‌ای است که با ایده‌آل‌های من همخوانی دارد.	- اینجا شهری است که با ایده‌آل‌های من همخوانی دارد.
- خاطرات خوبی در گذشته از این خانه دارم.	- نگرش‌های ساکنان این محله به دیدگاه‌های من شباهت دارد.	- در جشن‌ها، مراسم‌ها و رویدادهایی که در سطح شهر برگزار می‌شوند، شرکت می‌کنم.
- به خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنم وابسته‌ام.	- این محله را بخشی از وجود خود می‌پندارم.	- این شهر را بخشی از وجود خود می‌پندارم.
	- در این محله دوستان و آشنایان زیادی دارم.	- نگرش‌های شهروندان این شهر به دیدگاه‌های من شباهت دارد.
	- افتخار می‌کنم که ساکن این محله هستم.	- افتخار می‌کنم که شهروند این شهر هستم.
	- با همسایگان خویش، روابط صمیمانه‌ای دارم.	- جهت نگهداری از این شهر، حاضرم هر کاری که در توانم باشد، را انجام دهم.
	- جهت نگهداری از این محله، حاضرم هر کاری که در توانم باشد، را انجام دهم.	- به لحاظ احساسی، ترک این شهر برایم دشوار است.
	- به لحاظ احساسی، ترک این محله برایم دشوار است.	- چنانچه چند روزی از شهر رشت دور باشم، احساس دلتنگی وجودم را فرا می‌گیرد.

بر روی داده‌ها انجام می‌شود که هدف از آن‌ها شناخت تفاوت‌های ناشی از مقیاس مکانی در میزان و چگونگی دلبستگی به مکان است.

۵-۱- دلبستگی به خانه، شهر و محله

در این بخش میزان دلبستگی شهروندان به مقیاس‌های مکانی مختلف را مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، از آزمون تی تک نمونه‌ای برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. در بخش اول میزان دلبستگی را به صورت کلی و بدون تفکیک محلات مورد بررسی قرار می‌گیرد (جدول ۳). اما در بخش دوم میزان دلبستگی در مقیاس‌های مختلف (خانه، محله، شهر) را در چهار تیپ محله‌ای مختلف شهر رشت (بافت جدید، میانی، قدیمی، پیرامونی) بررسی می‌شود (شکل ۳).

پس از تکمیل پرسشنامه‌های توزیع شده، داده‌های حاصل از آن توسط آزمون‌های تی تک نمونه‌ای و همبستگی پیرسون و به وسیله نرم‌افزار SPSS مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت تا میزان دلبستگی به مکان در سه مقیاس (خانه، محله و شهر) در سطح رشت مورد بررسی قرار گیرد.

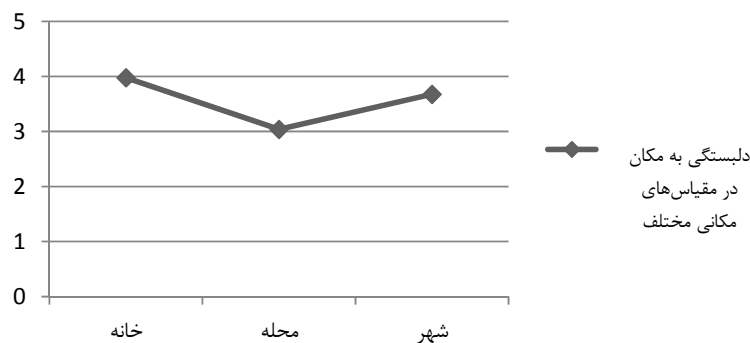
۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌گونه که ملاحظه شد نحوه تأثیر مقیاس مکانی بر میزان دلبستگی به مکان‌های مختلف در شهر می‌تواند منجر به برجسته‌سازی اهمیت هر یک از مقیاس‌های مکانی برای شهروندان و همچنین سازوکار رابطه احساسی فرد با این مکان‌ها منجر شد. به این منظور پس از تکمیل پرسشنامه توسط شهروندان تحلیل‌های آماری مختلفی

جدول ۳: میزان دلبستگی را به صورت کلی و بدون تفکیک محلات

Test Value = 3			مقیاس
Mean	Sig. (2-tailed)	N	
۳.۹۷۵۸	.۰۰۰	۳	خانه
۳.۰۳۸۸	.۰۰۰	۸	محله
۳.۶۷۶۶	.۰۰۰	۸	شهر

شکل ۳: دلبستگی به مکان در مقیاس‌های مکانی مختلف



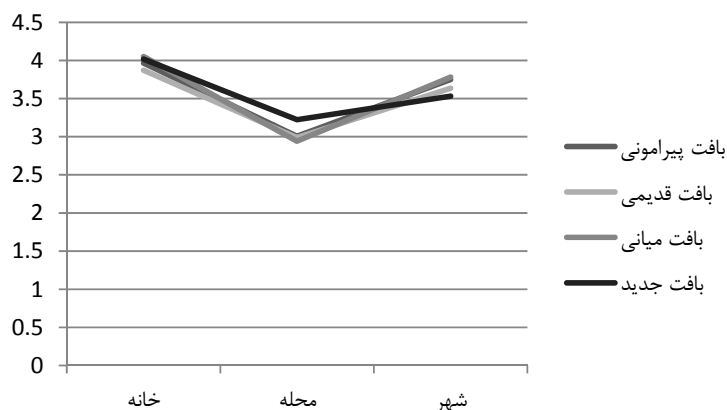
است که انسان‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه، هویت خویش را نشأت گرفته از شهر خود می‌دانند تا این که آن را به محله خویش نسبت دهند. دلیل دومی که می‌توان برای نتیجه حاصله متصور شد، بدین گونه است که قطعاً نیازهای فرد در سطح شهر، راحت‌تر از سطح محله برآورد می‌شود. به عبارتی ارضای نیازهای اساسی در سطح شهر در مقایسه با سطح محله، سهل‌تر صورت می‌پذیرد. لذا بنابه دو دلیل ذکر شده، بدیهی است که دلبستگی به شهر بیش‌تر از دلبستگی به محله باشد. نتایج حاصل از دلبستگی به سه مقیاس خانه، محله و شهر، با تفکیک محلات در جدول ۴ ارائه شده است.

نتایج حاصله بیان می‌دارند که دلبستگی به خانه در سطح بالاتری نسبت به دلبستگی به محله و شهر قرار دارد. به طور کلی انسان به مکانی نیاز دارد که خانه نامیده می‌شود. خانه، امنیت، کنترل، هویت و حریمیت را فراهم می‌آورد. چرا که آرامش کافی را بر مقام می‌آورد و به دلیل محافظت از انسان در برابر محیط اطراف، فرد کم‌تر در معرض آسیب‌ها خواهد بود. لذا بدیهی به نظر می‌رسد که دلبستگی به خانه بیش‌تر از دلبستگی به محله و شهر باشد. سرآمد بودن دلبستگی به شهر در مقایسه با دلبستگی در محله، نشأت گرفته از موضوع هویت می‌باشد. برای این امر دو دلیل عمده می‌توان متذکر شد: یکی از دلایل بدین شرح

جدول ۴: دل‌بستگی به مکان در سه مقیاس خانه، محله و شهر با تفکیک محلات

Test Value = 3			مقیاس	نوع بافت
Mean	Sig. (2-tailed)	N		
۴.۰۱۷۰	.۰۰۰	۳	خانه	جدید
۳.۲۲۳۲	.۰۰۰	۸	محله	
۳.۵۳۱۹	.۰۰۰	۸	شهر	
۴.۰۵۱۰	.۰۰۰	۳	خانه	میانی
۲.۹۴۰۱	.۰۰۰	۸	محله	
۳.۷۸۱۹	.۰۰۰	۸	شهر	
۳.۸۷۰۷	.۰۰۰	۳	خانه	قدیمی
۲.۹۸۸۵	.۰۰۰	۸	محله	
۳.۶۳۶۵	.۰۰۰	۸	شهر	
۳.۹۶۵۴	.۰۰۰	۳	خانه	پیرامونی
۳.۰۰۵۹	.۰۰۰	۸	محله	
۳.۷۵۰۰	.۰۰۰	۸	شهر	

شکل ۴: دل‌بستگی به مکان در سه سطح خانه، محله و شهر و ارتباط آن با نوع بافت شهری



۵-۲- رابطه دل‌بستگی در مقیاس‌های مکانی مختلف با یکدیگر

پژوهش حاضر سعی در کشف رابطه میان مقادیر دل‌بستگی به مکان در مقیاس‌های مختلف مکانی دارد. لذا جهت بررسی ارتباط بین آن‌ها، از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شده است. به خاطر محدود بودن معیارها تحلیل عاملی برای آن انجام نشده است.

نتایج حاصله بیان می‌دارند که دل‌بستگی به مکان در سه مقیاس خانه، محله و شهر، همواره از شکل مشخصی پیروی کرده و ارتباط چندانی با نوع بافت شهری و کیفیت محله ندارد (شکل ۴).

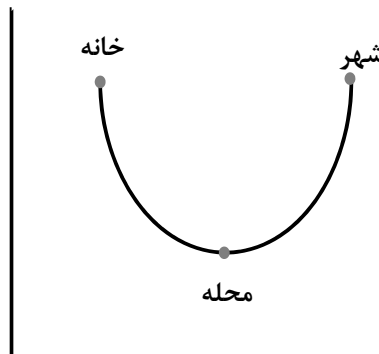
جدول ۵: ضرایب همبستگی پیرسون میان دل‌بستگی مکانی در مقیاس‌های مختلف

همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	مقیاس همبستگی
.۴۲۴**	.۰۰۰	دل‌بستگی به خانه با دل‌بستگی به شهر
.۲۶۴**	.۰۰۰	دل‌بستگی به خانه با دل‌بستگی به محله
.۳۲۰**	.۰۰۰	دل‌بستگی به محله با دل‌بستگی به شهر

آن مانند موقعیت ملکی، کیفیت مسکن و غیره متمرکز بوده و در مراتب بعدی به مفاهیمی مانند همسایگی و روابط اجتماعی توجه می‌شود که در مقیاس محله قابل تجربه است. روی دیگر این سکه چالش دیگری در ارتباط با محله گرایی را نشان می‌دهد. چالشی که نشان می‌دهد با پیچیدگی روابط اجتماعی در شهرهای مدرن شبکه‌های اجتماعی روز به روز کم‌تر مکان محور می‌شوند. در عصر حاضر که عصر جابه‌جایی^۱ نام‌گذاری شده است طی مسافت به‌وسیله اتومبیل شخصی یا در سطحی فراتر عدم طی مسافت به‌واسطه شبکه‌های مجازی سبب می‌شود که مقیاس مکانی‌ای مانند محله هرچقدر بیش‌تر مکانیت خود برای میزبانی شبکه‌های اجتماعی را از دست بدهد.

نتایج تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که میان این دل بستگی بین این مقیاس‌های مکانی رابطه مثبت وجود دارد اما شدت این رابطه بین این مقیاس‌ها یکسان نیست. برای ۴۰۰ داده، ضریب همبستگی پیرسون بین دل بستگی به خانه و شهر، بین دل بستگی به محله و شهر و بین دل بستگی به خانه و محله، به ترتیب برابر با ۰.۴۲۴، ۰.۳۲۰ و ۰.۲۶۴ می‌باشد (جدول ۷). نتیجه این ضرایب همبستگی را این‌گونه می‌توان تفسیر نمود که خانه به‌عنوان مکانی برای زندگی خصوصی و شهر به‌عنوان سکونتگاهی اجتماعی دارای همبستگی بالایی با همدیگر هستند. در نتیجه انتظارات شهروندان از شهر در درجه اول بر روی خانه و به‌ویژه بر ابعاد اقتصادی و کالبدی

شکل ۵: میزان دل بستگی و مقیاس مکانی



بنابراین نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهند که محلات نه تنها میزان دل بستگی کم‌تری دارند بلکه ارتباط دل بستگی به محله با دل بستگی به خانه و شهر نیز کم است. در حقیقت محله به‌عنوان یک واحد فضایی میانی نقش خود را برای اجتماعی شدن و ایجاد هم‌هویتی با ساکنان از دست داده است. محلات در گذشته علاوه بر این که ادامه خانه محسوب می‌شدند، به‌نوعی دروازه ورود به شهر هم بودند. محله‌ها جایی برای تعامل اجتماعی و اجتماعی شدن بودند که این نقش هم‌اکنون در فضاهای شهری بزرگ مقیاس انجام می‌شود چون محله‌های ما فرصت کم‌تری برای این موضوع ایجاد می‌کنند. به لحاظ روان‌شناختی، مرز و محدوده محله در شهر در مقایسه با محدوده شهر، محوتر است و در واقع محدوده شهر نمود بیش‌تری نسبت به مرز محله در شهر دارد. فرسودگی کالبدی و عملکردی محلات و تغییرات شتاب‌آلود در ساختار اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن‌ها، موجب کم‌رنگ شدن نقش محلات در اذهان عمومی و افول احساس تعلق و دل بستگی ساکنان به محله شده است (شکل ۵).

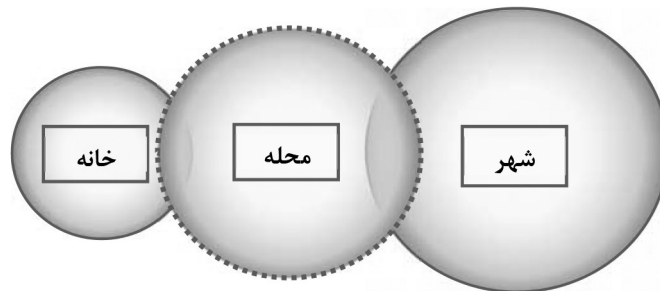
۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یکی از الزامات ادامه زندگی در شهر، محله و حتی خانه، داشتن حس دل بستگی به مکان است. محققان و اندیشمندان متعددی تلاش‌های گسترده‌ای را برای بررسی

کاملاً دگرگون شد. شناخت نیازهای مردم در عصر جدید و هماهنگ کردن فضای محلات با این نیازها یکی از این راهکارهاست. مطالعه محلات سنتی ایران به‌عنوان فضاهایی که پاسخگوی نیازهای مردم بودند و مکانیزمی هماهنگ با ساکنان خود داشتند، می‌تواند برنامه‌ریزان را برای رسیدن به این هدف یاری دهد. همان‌گونه که شکل ۶ نشان می‌دهد در شهرهای قدیمی ایران محله به‌عنوان مقیاسی میانی دارای مرزهای مشخص و عملکردی بسیار مهم بوده است.

تفاوت در الگوی دلبستگی است. همان‌گونه که جدول ضرایب همبستگی نشان می‌دهد دلبستگی به محله و شهر بیش از هر چیز به دلبستگی فرد به خانه‌اش وابسته است. موضوعی که نشان‌دهنده پرننگ‌تر شدن ابعاد زندگی فردی در شهرهای ایرانی در سال‌های اخیر اشاره دارد که مفهوم زندگی اجتماعی در محله و شهر را به عقب رانده است. نتایج این پژوهش حاکی از تهی شدن جایگاه محله در زندگی ساکنین است. فقدان آن که همراه خود بار معنایی و احساسی عظیمی خواهد داشت و منجر می‌شود معنای محله و حس تعلق به آن در طول نسل‌های آتی

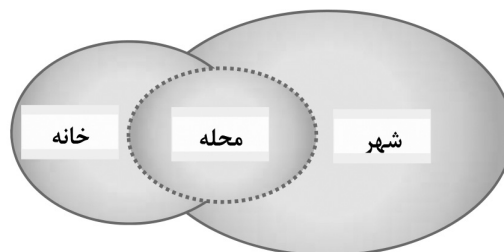
شکل ۶: عملکرد مقیاس‌های سه‌گانه در گذشته تاریخی شهرهای ایران



تعریف می‌شود و در بعد دیگر هم عضویت در شبکه‌های اجتماعی، پیدا کردن دوستان و اتفاقات جمعی دیگر در درون مرزهای محله رخ نمی‌دهد و این امور تماماً در مقیاس شهر صورت می‌گیرد. در بسیاری از موارد حتی اگر این رویدادها در نزدیکی خانه هم باشد بازهم ادراک ما به‌عنوان شهروندان این است که تجربه اجتماعی در مقیاس شهری در حال رخ دادن است. این بدان دلیل است که نهادهای اجتماعی درون محله و پیوندهای منشعب از آن دیگر نقشی در خلق تجربه اجتماعی برای ساکنین ندارند. در نتیجه هر تجربه اجتماعی خارج از مرز خانه در واقع برای ما تجربه‌ای در عرصه شهر است نه محله.

کوچک شدن بعد خانوار در کنار مستقل شدن واحدهای مسکونی و افزایش امکانات آن‌ها، پرننگ شدن ارزش‌های سبک زندگی خصوصی در مقابل سبک سکونت اجتماعی مبتنی بر روابط همسایگی در طول این چند دهه گذشته در کنار عدم توجه به رویدادهای اجتماعی توسط مدیران شهری در مجموع باعث اهمیت بیشتر مقیاس خانه در زندگی عموم مردم شده است. اما از طرف دیگر مرزهای محله برای شهروندان مبهم و کمرنگ شده است و در واقع محله نقش‌های خود را به دو مقیاس مکانی خانه و شهر واگذار کرده است (شکل ۷). به این ترتیب امنیت و حریمیت دیگر نه در چارچوب مرزهای محله بلکه در مرزهای خانه

شکل ۷: عملکرد و رابطه سه مقیاس مکانی در دوره معاصر



در قالب شبکه‌های اجتماعی آنلاین و مکان محور نمودن رویدادهای اجتماعی مبتنی بر این موضوعات می‌تواند راهکار دیگر باشد. برای مثال علاقه‌مندان به دوچرخه‌سواری، بازی‌های کامپیوتری یا سایر زمینه‌های ورزشی و سرگرمی از یک محله می‌توانند رویدادهایی موضوعی و اجتماعی در محله‌ها ترتیب دهند. همچنین از دیگر راهکارها آماده‌سازی محیط برای افزایش تعامل

از جمله راهکارهای مهم برای تقویت نقش محله‌ها درگیر نمودن افراد در مسائل و مدیریت امور محله است. کارهای روزمره مانند نگهداری و رسیدگی به فضاهای سبز محله، رنگ‌آمیزی جدول‌ها و دیوارها و یا اتفاقات خاص مانند برگزاری رویدادهای جمعی مانند جشن‌ها و عزاداری‌ها مثال‌هایی از این دست هستند. شناسایی موضوعات موردعلاقه گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی

شهری مبتنی بر الگوهای اصیل ایرانی و نیاز مردم و ارتباط مداوم مردم محله با دستگاه‌های مدیریت شهری می‌تواند تقویت‌کننده حس دلبستگی آن‌ها به محله شود.

میان ساکنین است. گاهی تغییرات کوچک در طراحی خیابان‌ها شامل ایجاد فضای نشستن، تعریف لبه‌ها و یا افزایش کاربری‌های مناسب برای گذران فراغت می‌تواند فضا را اجتماع‌پذیرتر نماید. به‌طور کلی طراحی فضاهای

پی‌نوشت

1. Mobility

فهرست منابع

- سالاری پور، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). بررسی فرآیند دل‌بستگی کودکان به محله با استفاده از شیوه عکاسی توسط ساکنین؛ مطالعه محله گل‌سار شهر رشت. *دانش شهرسازی*، ۲(۱)، ۲۳-۳۹. doi: [10.22124/upk.2018.9147.1031](https://doi.org/10.22124/upk.2018.9147.1031)
- سالاری پور، علی‌اکبر؛ دانشپور، سیدعبداله‌ادی؛ و صفای کارپور، مریم. (۱۴۰۰). بررسی مفهوم دل‌بستگی به مکان در دو پارادایم پدیدارشناسی و روان‌سنجی: شناسایی ظرفیت‌های تعامل بازتابی به منظور پیشرفت نظری. *دانش شهرسازی*، ۵(۲)، ۱-۱۷. doi: [10.22124/upk.2021.16159.1434](https://doi.org/10.22124/upk.2021.16159.1434)
- سالاری پور، علی‌اکبر؛ رضانی، حمید؛ زالی، نادر؛ و صفای کارپور، مریم. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان؛ مطالعه موردی: محله ساغریسان شهر رشت. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹(۳۴)، ۳۵-۴۸. http://iic.icas.ir/Journal/Article_Details?ID=246
- Cuba, L., & Hummon, D.M. (1993). A Place to Call Home: Identification with Dwelling, Community, and Region. *Sociological Quarterly*, 34(1), 111-131. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1533-8525.1993.tb00133.x>
- Degnen, C. (2016). Socialising Place Attachment: Place, Social Memory and Embodied Affordances. *Ageing & Society*, 36(8), 1645-1667. <https://www.cambridge.org/core/journals/ageing-and-society/article/socialising-place-attachment-place-social-memory-and-embodied-affordances/4D8CF24926614AAEE99136078D74DA1D>
- Farnum, J., Hall, T., & Kruger, L.E. (2005). Sense of Place in Natural Resource Recreation and Tourism: an Evaluation and Assessment of Research Findings. Gen. Tech. Rep. PNW-GTR-660. Portland, OR: US Department of Agriculture, Forest Service, Pacific Northwest Research Station. 59 p, 660. <https://www.fs.usda.gov/treearch/pubs/21301>
- Fried, M. (2000). Continuities and Discontinuities of Place. *Journal of Environmental Psychology*, 20(3), 193-205. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494499901548>
- Gieryn, T.F. (2000). A Space for Place in Sociology. *Annual Review of Sociology*, 26(1), 463-496. <https://www.annualreviews.org/doi/abs/10.1146/annurev.soc.26.1.463>
- Giuliani, M.V., Ferrara, F., & Barabotti, S. (2003). One Attachment or More?. In G. Moser, E. Pol, Y. Bernard, M. Bonnes, J. Corraliza & V. Giuliani (Eds.), *People, Places, and Sustainability* (111-122). Göttingen, Germany: Hogrefe & Huber. https://www.researchgate.net/publication/228091203_One_attachment_or_more_In_G_Moser_E_Pol_Y_Bernard_M_Bonnes_J_Corraliza_V_Giuliani_Eds_People_Places_and_Sustainability_21st_Century_Metropolis
- Haynes, R., Daras, K., Reading, R., & Jones, A. (2007). Modifiable Neighbourhood Units, Zone Design and Residents' Perceptions. *Health & Place*, 13(4), 812-825. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S1353829207000135>
- Hernández, B., Hidalgo, M.C., Salazar-Laplace, M.E., & Hess, S. (2007). Place Attachment and Place Identity in Natives and Non-natives. *Journal of Environmental Psychology*, 27(4), 310-319. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494407000515>
- Hidalgo, M.C., & Hernandez, B. (2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 273-281. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S027249440190221X>
- Jordan, B. (1996). A Theory of Poverty and Social Exclusion. Polity. <https://www.wiley.com/en-us/A+Theory+of+Poverty+and+Social+Exclusion-p-9780745616940>
- Lewicka, M. (2005). Ways to Make People Active: The Role of Place Attachment, Cultural Capital, and Neighborhood Ties. *Journal of Environmental Psychology*, 25(4), 381-395. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494405000691>
- Lewicka, M. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*, 28(3), 209-231. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494408000157>
- Lewicka, M. (2010). What Makes Neighborhood Different from Home and City? Effects of Place Scale on Place Attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 35-51. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494409000449>
- Low, S.M., & Altman, I. (1992). Place Attachment. In *Place Attachment* (1-12). Boston, MA: Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4684-8753-4_1
- Manzo, L.C. (2005). For better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25(1), 67-86. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S027249440500006X>
- Manzo, L.C., & Devine-Wright, P. (2013). *Place Attachment: Advances in Theory, Methods and Applications*. Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9780203757765/place-attachment-lynn-manzo-patrick-devine-wright>
- Moser, G., Ratiu, E., & Fleury-Bahi, G. (2002). Appropriation and interpersonal relationships: from dwelling to city through the neighborhood. *Environment and Behavior*, 34(1), 122-136. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0013916502034001009>

- Najafi, M., & Kamal, M. (2012). The Concept of Place Attachment in Environmental Psychology. *Elixir International Journal of Sustainable Architecture*, 45, 7637-7641. [https://www.elixirpublishers.com/articles/1350368123_45%20\(2012\)%207637-7641.pdf](https://www.elixirpublishers.com/articles/1350368123_45%20(2012)%207637-7641.pdf)
- Ratcliffe, E., & Korpela, K.M. (2016). Memory and Place Attachment as Predictors of Imagined Restorative Perceptions of Favourite Places. *Journal of Environmental Psychology*, 48, 120-130. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494416300858>
- Raymond, C.M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The Measurement of Place Attachment: Personal, Community, and Environmental Connections. *Journal of Environmental Psychology*, 30(4), 422-434. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494410000794>
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 1-10. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494409000620>
- Scannell, L., & Gifford, R. (2017). The Experienced Psychological Benefits of Place Attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 51, 256-269. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494417300518>
- Shamai, S., & Ilatov, Z. (2005). Measuring Sense of Place: Methodological Aspects. *Tijdschrift Voor Economische en Sociale Geografie*, 96(5), 467-476. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1467-9663.2005.00479.x?casa_token=1YK5bgbvEIUAAAAA.V9U59MkY-3oRX9z-oJhmtu3nO4F7cO8ejFJTaucx1Mb7WYhC-DV-jDdbGOOhzFWqy7be2tucAy1XChQ
- Zali, N., Ahmadi, H., & Faroughi, S.M., (2013). An Analysis of Regional Distribution in the East Azarbaijan Province. *Journal of Urban and Environmental Engineering*, 7(1), 183-194. https://www.jstor.org/stable/26203403?seq=1#metadata_info_tab_contents
- Zali, N., Ebrahimzadeh, I., Zamani-Poor, M., & Arghash, A. (2014). City Branding Evaluation and Analysis of Cultural Capabilities of Isfahan City. *European Spatial Research and Policy*, 21(2), 213-234. <https://www.czaso-pisma.uni.lodz.pl/esrap/article/view/7163>

نحوه ارجاع به این مقاله

منصف، مهیار؛ سالاری پور، علی اکبر؛ عظیمی، نورالدین؛ ابی زاده، سامان؛ زالی، نادر. (۱۴۰۰). سنجش دل بستگی به مکان و نحوه تأثیر مقیاس مکانی بر آن در بافت های مختلف شهری، مورد مطالعاتی: شهر رشت. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۴(۳۵)، ۲۹۹-۳۱۰.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.217274.2098

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_135480.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

